



شهریار برای محرم چه نغمه‌هایی سرود/ نغمه‌های دلتنگی شهریار، برای امام حسین(ع)

همه مسلمانان و در این میان انسان‌های آزاده با شیوه‌های مختلفی از جمله برپایی مجالس سوگواری، یادآوری مصائب حضرت امام حسین علیه‌السلام در مناسبات مختلف، تشویق شاعران برای مرثیه سرایی و ...

به گزارش **خبرگزاری فارس** از تبریز، همه مسلمانان و در این میان انسان‌های آزاده با شیوه‌های مختلفی از جمله برپایی مجالس سوگواری، یادآوری مصائب حضرت امام حسین علیه‌السلام در مناسبات مختلف، تشویق شاعران برای مرثیه سرایی و ... در تلاش بودند، برای همیشه عظمت قیام سیدالشهدا و فداکاری یاران با وفای امام حسین(ع)، به نوعی زنده نگه داشته شود. در هر صورت از آنجایی که شعر در گذشته و این روزها به عنوان یکی از ابزارهای مهم برای انتقال پیام بوده و در این ارتباط هم شاعران متعددی در دوره‌های مختلف بودند، که با سرودن شعر و مرثیه در خصوص مصایب امام حسین علیه‌السلام و کربلا، نگذاشتند عاشورا فراموش شود. بنابراین، یکی از این شعرای معاصر متعهد و انقلابی کشورمان، سید محمدحسین بجهت تبریزی، متخلص به شهریار است که در وصف اهل بیت(ع) و انقلاب اسلامی و به خصوص سیدالشهدا(ع) و عاشورا شعرهای ماندگاری سروده است. *** این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست؟** به هر حال، یکی از مؤثرترین تدابیری که شعرا در جهت حفظ و احیاء نهضت عاشورا اندیشیده بودند، گفتن شعر، مدح و مرثیه بر امام حسین علیه‌السلام است. شعرا نه تنها خود با گفتن شعر و مرثیه در عزای سید و سالار شهیدان علیه‌السلام می‌گریستند، بلکه همواره مردم را نیز به گریستن بر امام حسین علیه‌السلام تشویق و ترغیب می‌کردند و گریه بر آن حضرت علیه‌السلام را مستوجب ثواب عظیم می‌دانستند. باز این چه شورش است که در خلق عالم است / باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم استباز این چه رستخیز عظیم است کز زمین / بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است ... (محتشم کاشانی) این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست؟ // این چه شمع است که جانها همه پروانه اوست؟ این ابیات، به نوعی تداعی‌کننده مصائب و ویژگی‌های حضرت امام حسین(ع) است. بدون شک یکی از بزرگ‌ترین ویژگی‌های شهریار که موجب شده آثار وی در میان شاعران معاصر و به ویژه در میان مردم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد، مردمی بودن شعرهای اوست. سادگی و عمومی بودن زبان و تعبیر، یکی از موجبات رواج و شهرت شعر شهریار است، از این رو شعر او برای همگان مفهوم و مانوس و نیز موثر است. به هر تقدیر «شهریار» شاعری است، یکه‌تاز در میدان توحیدی و وادی عرفان و خود با اشاره به سروده حافظ می‌گوید: «هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم». در اشعاری چون کاروان کربلا، صدای خدا، قیام محمد، مناجات، مولا علی و شریح قاضی، هدیه عید غدیر، اسلام و خدمت اجتماع، جهاد عقیدت و... عمق اعتقادات شهریار را بر آنچه که خود به حق گفته می‌توان دریافت. *** شهریار برای محرم چه نغمه‌هایی سرود** بر این اساس، شهریار شیرین سخن در قطعه شعری با نام (کاروان کربلا)، در وصف سالار شهیدان امام حسین علیه‌السلام می‌سراید: شیعیان دیگر هوای نینوا دارد حسین / روی دل با کاروان کربلا دارد حسیناز حریم کعبه جدش به اشکی شست دست / مروه پشت سر نهاد اما صفا دارد حسینمی‌برد در کربلا هفتاد و دو ذبح عظیم / بیش از اینها حرمت کوی منا دارد حسینپیش رو راه دیار نیستی کافیش نیست / اشک و آه عالمی هم در قفا دارد حسینیس که محلل‌ها رود منزل به منزل با شتاب / کس نمی‌داند عروسی با عزا دارد حسین ... دست آخر کز همه بیگانه شد دیدم هنوز / با دم خنجر نگاهی آشنا دارد حسینشمر گوید گوش کردم تا چه خواهد از خدا / جای نفرین هم به لب دیدم دعا دارد حسیناشک خونین گو بیا بنشین به چشم "شهریار" / کاندرین گوشه عزائی بی ریا دارد حسین *** شرح شورانگیز شهریار؛ در وصف سید الشهدا**ر ابیاتی دیگر شهریار با شعر ترکی در مصائب سیدالشهدا(ع) می‌گوید: محرم دیر خانم زینب عزاسی / بیزی سسلیر حسینین کربلاسیولی باغلی قالبی دوشمن الینده / داها زواری نین یوخ سس صداسیو گون کرب و بلا ویران اولوبدی / حسین اوز قانی نه غلطان اولوبدی ... مسلمان صف چکیب دعوایه گلسین / چاغیر عباسی تاسوعایه گلسنیقیزی زینب اوزی صاحب عزادیر / چاغیر زهرانی عاشورایه گلسنیوگون کرب بلا ویران اولوب دیر / حسین اوز قانینا غلطان اولوب دیرآنا! اوغلون شهید اولدی مبارک / شهادتله سعید اولدی، مبارکامید جنتین تاپدین، دا سندن / جهنم ناامید اولدی، مبارکینله طوی کیم گورروب دنیاده قاسم / طوی یاسه دؤنن شهزاده قاسماتا! اوغلون علی اکبر فداسی / طوی قاسم کیمی اولموش عزاسیدوروب جنت قاپوسیندا گوزتلیز / که گلسنیرل آناسی له، آتاسیننله طوی کیم گورروب دنیاده قاسم / طوی یاسه دؤنن شهزاده قاسم **مچنین شهریار در شعر دیگری با عنوان داغ حسین می‌سراید:** محرم آمد و نو کرد درد و داغ حسین / گریست ابر خزان هم به باغ و راغ حسیننهار و سیصد و اندی گذشت سال و هنوز / چو لاله بر دل خونین شیعه داغ حسیننه هر چمن که بتازد سموم باد خزان / زمانه یاد کند از خزان باغ حسینهنوز ساقی عطشان کربلا گویی / کنار علقمه افتاده با ایاغ حسیناگر چراغ حسینی به خیمه شد خاموش / منور است مساجد به چلچراغ حسینخدا به نافه خلش دماغ جان پُر داشت / که بوی خون نکند رخنه در دماغ حسینفراغ از دو جهان داشت با فروغ خدای / خدای را چه فروغی است در فراغ حسینیزید کو که ببیند به ناله قافله ها / گرفته از همه سوی جهان سراغ حسین *** نغمه‌های دلتنگی شهریار، برای امام حسین(ع)** ارادت استاد شهریار به سیدالشهدا و یاران بزرگ و با وفای امام حسین(ع)، هیچ وقت تمام نداشت و در شعر ترکی دیگر در وصف کربلا و شهدای آن می‌گوید: حسین یئرله ر اغلار گؤیله ر اغلار / بتول و مصطفی پیغمبر اغلارحسینون نوحه سین دلریش یازاندا / موسلمان سهلدر که کافر اغلارکور اولموش گؤیله رین قان دوتدو شومرون / کی گؤرسون اوز الینده خنجر اغلارحسینون کؤینه گی زهرا الینده / چکر قتیحا قیامت، محشر اغلارآناندا حرمله، اوخ کربلاده / گؤزئیدین دوشمن اغلار، لشکر اغلارقوجاغیندا، گؤزئیدین ام لایلا / آلیب نعش علی اکبر اغلارراب، نیسگیل دؤشونده سود گوره نده / علی اصغری یاد ائیلر ر اغلارباشیندا کاکل اکبر هواسی / یئل اغلار، سنبل اغلار، عنبر اغلاریازاندا آل طاهاه نوحه سین من / قلم گؤردوم سیزیلدار، دفتر اغلارعلی، شق القمر، محراب تبلیت قان / قولاقل وئر، مسجد اوخشار منبر اغلارعلیده ن شهریار، سن بیر اشاره / قوجاقلار قبری، مالک اشتر اغلار* به جامه های سیه کودکان کو دیدم / دلم به یاد اسیران کربلا خون شدو **یا در وصف اسیران کربلا گفته است:** محرم آمد و آفاق مات و محزون شد / غبار محنت ایام تاب گردون شدبه جامه های سیه کودکان کو دیدم / دلم به یاد اسیران کربلا خون شداز این مبارزه بشکفت خاندان علی / چنانکه نسل پلید امیه مروهون شدبنی امیه و آن دستگاه فرعون / همان فسانه فرعون و گنج قارون شدولی حسین علمدار عشق و آزادی / لقب گرفت و شهنشاه ربع مسکون شدچون نیک می نگری زنده آن شهیدانند / وگرنه هر بشری زاد و مرد و مدفون شدکنون مقابل ایشان بود زیارتگاه / کدام زنده به این افتخار مقرون شدسر و تنی که رسول خدایش می‌بودسید / به زیر سم ستوران خدای من چون شدبه خیمه گاه امامت چنان زدند آتش / که آهوان حرم سر به دشت و هامون شدرسید نوبت زینب که شیرزاد علیست / جهان به حیرت از این سربلند خاتون شدبه دوش پرچم آتش گرفته اسلام / به کاخ ابن زیاد و یزید ملعون شدحسین قافله با خود نبرد بی‌تدبیر / که غرق حکمت او فکرت فلاطون شدتو شهریار به مضمون بلند دار سخن / هرآن سخن که جهانگیر شد به مضمون شدنکته مهم‌تر اینکه لطف سخن استاد «شهریار» در چیرگی بی‌نظیر وی برای سرودن شعر به دو زبان دری و آذری، شهرت ویژه‌ای به این پیر استاد عرفان بخشیده و شهرتش از فراسوی مرزهای جغرافیای ایران، به سرزمین‌های دیگر ره گشوده، سخنان دل‌نشین‌اش روشنی بخش دل شیفتگان معرفت الهی گشته است، و همین نکته است که «شهریار» را میان اقربان و شاعران معاصر ایران ممتاز و بی‌نظیر کرده است. در فرجام سخن باید گفت که «شهریار» پس از پیروزی انقلاب اسلامی با اشعاری چون تشریف قبول و مقام رهبری با جان و دل همنوایی با انقلاب را آغاز کرد، چنانکه باز خود می‌گوید: «تا سال‌های آخر عمر هیچ‌گاه از جهاد قلمی باز نایستاده‌ام» و در حقیقت این مسایل همان ایمان و اعتقادی وی را به معارف اسلام و عرفان نشان می‌دهد. نکته مهم‌تر اینکه به دلیل خصوصیاتی که از شهریار یاد شده و می‌شود، مقام معظم رهبری هم که خود از فرزندان عالم شعر و ادب و هنر است، عنایت ویژه‌ای به استاد شهریار و شعر او داشته‌اند، معظم‌له در سخنان خود از شهریار به عنوان شهریار شعر و ادب ایران و بلبل داستان‌سرای غزل فارسی یاد کرده‌اند، وی را کسی دانسته‌اند، که عاشق قرآن بود و قرآن مجسم و زنده را در انقلاب اسلامی و نظام اسلامی مشاهده کرد. *** نگارنده: موسی کاظم‌زاده**